روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۳ مرداد ۱۳۹۴ • ۸ شوال ۱۴۳۶ • ۲۵ جولای ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۵۴ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۵ • اذان صبح فردا ۴:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۰۷

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

بازگشت گودزیلا

پوریا عالمی

● همه می‌پرسند آچارکشی چی شد و عالمی چطور شد؟ سی‌ان‌ان گفت عالمی را روس‌ها دزدیدند و می‌خواهند از جو خارجش کنند درحالی‌که ایسنا اعلام کرد عالمی جوگیر است و نمی‌تواند از جو خارج شود. بی‌بی‌سی گفت عالمی فرار مغزها شده اما کلیپ‌نیوز نوشت کسی که مغز و زبان می‌خورد فوقش خیلی حرف می‌زند و مغز شما را می‌خورد اما فرار مغزها هرگز، عالمی اگر فرار هم کند فرار زبان‌ها می‌کند چون مغزی در کار نیست. فارس اما افشا کرد عالمی رفته بغل سلین دیون که محمودرضا خاوری تکذیب کرد و گفت من هنوز بغل سلین دیون و همسایه‌شان هستم. کیهان در گفت‌وشنود نوشت عالمی بر اثر افراط در تفریط افتاد تو جوب. ۲۰:۳۰ گزارش کامل و دقیقی داد که عالمی حین دریافت چمدان پول از خارج دیده شده. چپ‌های آنلاین نوشتند عالمی راست شده برای همین خبری ازش نیست. اما راست‌های آفلاین این موضوع را اغراق‌آمیز دانستند. داعش نیز گفت عالمی قبلا نوشته بود در آغوشت می‌گیرم، این یک عملیات انتحاری است، بنابراین اگر عالمی چیزی را بغل کرد و خودش را به کشتن داد ما مسئولیتش را برعهده نمی‌گیریم. از آن طرف مادر من زنگ زد و گفت خیر نبینی پسر، کی زیر سرت بلند شده؟ نکنه زن گرفتی به من نگفتی؟ همکاران اما در صفحه روزنامه‌نگاران نوشتند عالمی مال‌مردم‌خوار بوده و بعد از خوردن مال مردم و مال روزنامه‌نگاران فرار کرده و الان دارد توی اصفهان ساختمان می‌سازد. اما چی‌چی‌خیز و قاسمی اعلام کردند عالمی از مادرش قهر کرده و بعید نیست خواننده شود و برود دوبی تست بدهد.

اما حقیقت چیست؟

حقیقت این است که بعد از توافق و تفاهم و حالت عجیبی که بین ایران و آمریکا پیش آمده، به عالمی هم حالت ازدواج دست داده و مانده چی بپوشد. تمام هفته گذشته هم این لباس، آن لباس کردم هنوز به نتیجه نرسیده‌ام. کاش آقای ظریف به فکر عواقب توافقی که کرده، بود و می‌دید ما را به چه زحمتی انداخته است؛ زحمتی که از تحریم هم فشار بیشتری به جامعه وارد کرده است.

کارتون خواب

ساسان خادم

پشت جلد

پس از امیدواری

کریم ارغنده‌پور

انتخابات سال ۹۲ امیدواری بزرگی را برای جامعه به ارمغان آورد. فضای این امیدواری همچنان وجود دارد و با توافق اخیر پررنگ‌تر شده و گواه مهم‌تری یافته است. امیدواری راز اصلی پیشرفت است. حالا دو اصل بیش از هرچیز باید مورد توجه قرار گیرد. اول: گفت‌وگو و دوم: انطباق سیاست‌ورزی با فضای جدید. هردو اصل باید بیش از دولت مورد توجه نخبگان باشد. صدالبته دولت هم باید زمینه‌های آن را فراهم کند. ما بدون گفت‌وگو، طرح نکات جدید، انتقاد به آنها و رفع سوءتفاهم‌ها راه مناسب‌تری برای تعامل بهتر نداریم. باید بدون تعارف گفت که ما در گفت‌وگو ضعف‌های جدی داریم. علت‌های آن هم گوناگون و عوامل آن متفاوتند. فقط هم بخش قدرت نیست، روشنفکران ما در تحمل انتقاد نسبت به خود چندان گشاده‌رو نیستند. گفت‌وگو در حکم برتری‌دادن عقلانیت نسبت به احساس‌گرایی و پیش‌نیاز مراحل بالاتر است و لازمه آن به‌رسمیت‌شناختن «دیگری» است. در مورد اصل دوم، نکته من برپایه تناسب وضعیت عناصر بازیگر سیاسی در وضعیت جدید است. این وضعیت در شرایط مختلف تغییر می‌کند. آشکار است که این وضعیت پس از انتخابات سال ۹۲ تغییر کرده و پس از توافق هم می‌توان انتظار داشت که تا حدودی تغییر کند. این اشتباه است که همه محاسبات به شیوه‌های محدود تجربه‌شده گذشته ترسیم شود. متأسفانه به‌دلیل پاره‌ای محدودیت‌ها، واقعیت عناصر تعیین‌کننده در سیاست و سهم هریک دقیقا روشن نیست، افراد مختلف تحلیل‌های شخصی خود را مطرح می‌کنند ولی استنادات این تحلیل‌ها معمولا محل پرسش است. باید در این زمینه بیشتر تأمل کرد و براساس اشتراک توافق‌ها به یک افق روشن‌تر رسید. تأکید من این است که روش موفق سیاست‌ورزی در شرایط مختلف، متفاوت است. سخن این است که باید در این زمینه‌ها از ابعاد مختلف بیشتر خواند و اندیشید و به جمع‌بندی رسید. هم‌اینک پاره‌ای روش‌های تندروانه در زمینه‌هایی صاحب صداهای بلند هستند. بدترین وضعیت این است که این صداهای بلند، ناظران را به اشتباه در محاسبه بیندازد. باید واقعیت را دید و بر همان اساس تحلیل کرد. کمااینکه مثلا در مذاکرات هسته‌ای واقعیت این بود که امکان توافق زیاد بود ولی اگر صدای تندروها بیش از اندازه شنیده می‌شد، چنین زمینه‌ای ناچیز برشمرده می‌شد که آشکارا خطا بود. واقعیت را باید شفاف‌تر دید. باید شیشه‌های مقابل واقعیت را از کدورت و زنگارها پاک کرد تا به وضعیت روشن‌تر رسید.

پژوهش

کمال اطهاری: برای اشتغال زنان باید فضا را شکست

شرق: بیکاری، زن و مرد نمی‌شناسد ولی زن‌ها بیکارتر از مردها هستند. این را نتایج تحقیقی نشان می‌دهد که در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کشور انجام شده است. براساس این تحقیق در بازه زمانی نیمه دهه ۸۰ تا سال ۹۲ متوسط تعداد بیکاران کشور دو میلیون و ۷۴۶ هزار نفر بوده است. در این میان متوسط مدت بیکاری افراد برای جست‌وجوی یک شغل حدود پنج ماه است که این میزان در میان دو جنس متفاوت بوده که و برای مردان هفت ماه و برای زنان حدود ۲۶ ماه است. از دیگر تفاوت‌های جنسیتی موجود در نتایج این تحقیق مربوط به شاخص «سنجش امید به‌کار» است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد متوسط ماندگاری افراد در اشتغال ۱۸ ماه است که این میزان برای زنان هشت ماه و برای مردان ۲۴ ماه است. همچنین مدت‌زمانی که انتظار می‌رود افراد به‌کار اشتغال داشته باشند برای مردان ۲۷ سال و برای زنان حدود هشت سال است. از طرف دیگر براساس تعریف شغل یک فرد برای مردان ۴۱ سال و برای زنان ۱۰ سال است و درواقع مردان بیش از چهار برابر زنان به‌عنوان نیروی آماده‌به‌کار شناخته می‌شوند. «کمال اطهاری»، اقتصاددان اگرچه می‌گوید نباید این نتایج را عجولانه تحلیل کرد و به این نتیجه رسید که وضعیت اشتغال زنان نسبت به مردان بدتر است ولی معتقد است: «زنان به‌عنوان نیروی فعال در جامعه به اندازه کافی و در حد استعداد و توانشان در فرایند تولید مادی و معنوی کشور شرکت ندارند و این عدم مشارکت تأثیر منفی بر توسعه پایدار ایران خواهد داشت». اطهاری دلایل این عدم مشارکت را این‌گونه توضیح می‌دهد: «مشارکت زنان در عرصه اقتصاد از زمانی آغاز شد که اقتصاد دانش‌بنیان توسعه پیدا کرد؛ زیرا زنان نمی‌توانند در مشاغل سخت از نظر جسمی حضور داشته باشند. در حال حاضر در کشورهای پیشرفته که اقتصاد دانش‌بنیان دارند زنان نقش اساسی دارند. در برنامه چهارم توسعه نیز اقتصاد دانش مدنظر قرار گرفته بود اما دولت نهم با این دلیل واهی که این رویکرد به اقتصاد سرمایه‌دارانه است آن را کنار گذاشت. بنابراین دارایی‌های فکری زنان جامعه ما در همه بخش‌ها بی‌استفاده ماند. جالب اینکه، این کار به‌نفع زنان چینی و کره‌ای تمام شد؛ زیرا زنان در بسیاری از صنایع این کشورها مشغول به‌کار هستند». با وجود این اقتصاددان حوزه کار معتقد است که رکود باعث بیکاری هر دو جنس و به ضرر زنان تمام خواهد شد. او می‌گوید: «دولت‌های نهم و دهم در باب عدالت، رکود تورمی را در ایران رقم زد که حتی باعث بیکاری شاغلان شد. در شرایط رکود معلوم است که مشارکت زنان نیز کمتر می‌شود. زنان برای اشتغال نیازمند امنیت اجتماعی هستند که آن هم در دولت سابق پایین آمد. وقتی در کشوری بحران اقتصادی باشد، پایداری شغلی مردان بیشتر است؛ زیرا آنها با عدم امنیت یا سختی کار بهتر می‌توانند کنار بیایند. البته این موضوع مخصوص ایران نیست و در همه جای دنیا دیده می‌شود. آنچه تحت عنوان خصایص جنسیتی شغل می‌شناسیم مربوط به همین جنبه‌های اشتغال مردان است». اطهاری همچنین معتقد است فرهنگ ما پتانسیل‌های لازم را برای مشارکت زنان داراست. او می‌گوید: «هم در فرهنگ ایران باستان و هم در فرهنگ شیعه احترام به زن و مشارکت آنها در جامعه مورد تأکید است. به همین دلیل معتقدم حضور زنان در مشارکت اقتصادی نیاز به فرهنگ‌سازی ندارد. آنچه بیش از فرهنگ اهمیت دارد شکستن استبداد فضاست؛ زیرا زنان بیش از مردان قربانی می‌شوند. منظور از شکستن استبداد فضا ایجاد شرایطی است که زنان با امنیت بتوانند در محیط‌های مختلف حضور پیدا کنند؛ برای مثال حمل‌ونقل عمومی و ایمن در طول شبانه‌روز منجر به شکستن استبداد فضای شهری می‌شود».

عجایب غرایب

تکلیف نامه پسرک چه می‌شود؟

● مجسمه ربوده‌شده، حجم آبی‌رنگ پسربچه‌ای بود که قصد داشت نامه‌اش را در یک صندوق پستی زردرنگ بیندازد. مجسمه درست روبه‌روی یکی از قدیمی‌ترین ساختمان‌های خیابان امام‌خمینی نصب شده بود که سال‌هاست به موزه پست بدل شده. ضلع دیگر پیاده‌رو این خیابان، ردیف‌به‌ردیف، بورس انواع ابزارآلات صنعتی است و در میان مغازه‌ها، چیزی که به‌وفور پیدا می‌شود، دستگاه‌های برش و تیغاره‌های محکم است. در این خیابان شلوغ و پررفت‌وآمد، دزدیده‌شدن یک مجسمه ۱۲۰ کیلویی برنزی همان‌قدر عجیب است که بی‌اطلاعی اهالی و کسبه محل از وجود آن مجسمه! در میان فروشندگانی که روبه‌روی ساختمان پست صف کشیده‌اند، کمتر کسی است که به یاد داشته باشد اصلا مجسمه‌ای در این خیابان وجود داشته و آنها که تصویری از این مجسمه در خاطر دارند، به‌درستی نمی‌دانند که پیامش چه بوده و برای چه در پیاده‌رو شمالی خیابان امام‌خمینی نصب شده و این یعنی بی‌اطلاعی آنها از بزرگ‌ترین موزه پست کشور! در بازاری که جای سوزن‌انداختن نیست و کسبه‌اش متخصصان بریدن و پیچ‌کردن و رزوه و قلاویزکردن، هستند یک مجسمه‌ای که نشان اهمیت نامه و نامه‌نگاری بوده، در روز روشن و در نبود دوربین‌های امنیتی به سرقت رفته و حالا کسی نیست که بداند، آیا نامه پسرک به مقصد خواهد رسید یا نه.

همین حوالی

اقلیتی شریف در کنار اکثریت منفعت‌طلب

امیر حاج‌رضایی
کارشناس فوتبال

برگزاری دیدار دوستانه و خیرخواهانه ستارگان فوتبال جهان با تیم ستارگان فوتبال ایران که عواید آن به بیماران ام‌اس اختصاص خواهد یافت، اتفاقی بسیار خوب در عرصه فوتبال ایران است. در تمام دنیا ستاره‌ها و چهره‌های ورزشی، چه آنها که دیگر بازی نمی‌کنند و بازنشسته شده‌اند و چه فعالان، در امور خیریه شرکت می‌کنند و خوشحالم که این سنت نیکو در ایران نیز موردتوجه قرار گرفته است به‌ویژه اینکه عواید این دیدار دوستانه نصیب بیماران صعب‌العلاج می‌شود و جامعه را نسبت به این بیماری که در سال‌های اخیر نیز شیوع پیدا کرده است، آگاه می‌کند.

البته پیش از این نیز چهره‌های ورزشی ایران به‌صورت انفرادی در فعالیت‌های اجتماعی مربوط به بیماری‌های خاص شرکت می‌کردند، اما تفاوت این رویداد، حضور چهره‌های جهانی فوتبال نظیر میشل سالگادو، لوئیس فیگو، روبرتو کارلوس، فابیو کاناوارو، گوتی، فرناندو هیرو، ویتور بایا، بودو ایگنر، پاتریک کلایورت، فرناندو مورینتس، مارسل دسایی، استیو مک‌منمن، ادگار داویدز، کریستین کارمبئو و... در ایران است که درواقع تبادلی فرهنگی بین ایران و کشورهای دیگر را رقم خواهد زد. علاوه‌براین اگرچه عواید مالی فعالیت‌های خیرخواهانه معمولا به گروه اجتماعی خاصی تعلق می‌گیرد ولی عواید غیرمالی و معنوی انجام این نوع فعالیت‌ها توسط ستارگان ورزشی به کل جامعه می‌رسد. چه مردمی که به ورزشگاه می‌آیند و چه مردمی که از طریق اخبار این رویدادها در رسانه‌ها، در جریان آنها قرار می‌گیرند، از روحیه انسان‌دوستی ورزشکاران تأثیر می‌پذیرند. این امر مخصوصا برای ما ایرانی‌ها که انسانیت و عاطفه، بخشی از شخصیت اجتماعی‌مان است، بسیار مهم است. نکته دیگری که باید در اینجا به آن اشاره شود، فسادهایی است که بعضا در فوتبال مشاهده می‌شود و دوستداران فوتبال را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

مردم باید بدانند که در کنار اکثریتی که به‌دنبال منافع شخصی‌شان از ورزش هستند، اقلیتی شریف نیز وجود دارند که دغدغه مردم را دارند. اگرچه این موضوع نمی‌تواند چهره فوتبال کشور را از آلودگی‌ای که دچار آن است، پاک کند و مبارزه با فساد باید به‌صورت گسترده در فوتبال دنبال شود ولی شرکت ستارگان در امور خیریه می‌تواند وضعیت کنونی را برعکس کند و ما شاهد کم‌شدن کسانی باشیم که تنها به فکر مطامعشان هستند.

زدودن فساد از فوتبال، هم به مدیریت پاک و همت بلند مسئولان نیاز دارد و هم به موازات به فعالیت‌های فرهنگی محتاج است. امیدوارم این نوع فعالیت‌های خیرخواهانه روزبه‌روز بیشتر شود و درعین‌حال براساس اصول صورت گیرد تا نتایج آن به دست نیازمندان واقعی برسد.